

رخداد

قتل پسرعمو بدون انگیزه

■ **شرق:** مرد معتاد به شیشه که مدعی است بدون هیچ انگیزه‌ای پسر عموش را به قتل رسانده است، بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، این مرد جوان که حامد نام دارد، یک سال قبل پسرعموش را با ضربه چاقو به قتل رساند و روز گذشته در شعبه ۲۱ محاکمه شد. بعد از اینکه نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و کیفرخواست را علیه متهم خواند، پدر مقتول برای برادرزاده‌اش درخواست قصاص کرد و گفت: «حامد همیشه شرارت و همه اعضای خانواده من را اذیت می کرد: از دست او مجبور شدم یکبار خانم را بفروشم؛ نمی‌دانم او با پسر هم چه مشکلی داشت، فقط می‌دانم یکبار دیگر هم با هم درگیر شده بودند، حالا هم در خواست قصاص دارم و فقط زمانی گذشت می‌کنم که حامد واقعیت را بگوید.» در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد و اتهامش را قبول کرد و گفت: من با پسرعمویم اختلافی نداشتم، ما هر دو معتاد بودیم و شیشه و کراک می‌کشیدیم. روز حادثه هم از شب تا صبح مواد کشیدیم و بعد به خانه ما رفتم. پسرعمویم به زیرزمین رفت تا بخواهد من هم به طبقه بالا رفتم تا صبحانه آماده کنم. چند دقیقه بعد برگشتم و وقتی دیدم پسرعمویم خواب است، بدون اراده با چاقو او را زدم. مادر و خواهرم این صحنه را دیدند و فریاد زدند. برادرم بیرون آمد و پسرعمویم را به بیمارستان رساند من هم خودم را تسلیم مأموران کردم. اصلا نمی‌دانم چرا این کار را کردم. بنابر این گزارش، بعداز پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند.

دستگیری اخاذمأمور نما

■ **شرق:** فردی که تحت عنوان مأمور نیروی انتظامی اقدام به اخذای می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ «کرم محمدی»، فرمانده انتظامی شهرستان قدس گفت: در پی اعلام گزارشی از سوی برخی از شهروندان مبنی بر اخذای فردی با پوشش لباس مأموران نیروی انتظامی ابتدا چهره فرضی متهم با کمک تعدادی از مالباختگان تربیم شد و در مرحله بعد مأموران با انجام کارهای اطلاعاتی و تحقیقات نامحسوس مخفیگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند. فرمانده انتظامی شهرستان قدس ادامه داد: متهم در بازجویی‌ها ابتدا منکر اخذای از اهالی و کسبه شد اما هنگامی که در مقابل شواهد و قرائن قرار گرفت، به جرمش اقرار کرد.

کلاهبرداری با پیامک

■ **شرق:** رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی از دستگیری کلاهبردار حرفه‌ای خبر داد که با ارسال پیامک طعمه‌هایش را فریب می‌داد. سرهنگ النقی‌پور گفت: کار آگاهان مطلع شدند فردی با ارسال پیامکی مبنی بر اینکه شما برنده ۵۰۰هزار تومان وجه نقد به سلسلهٔ همراه اول شده‌اید، دست به کلاهبرداری می‌زند. آنها پس از انجام یکسری کارهای اطلاعاتی متهم را شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ النقی‌پور با اشاره به اعتراف متهم به بزه انتصابی و معرفی دو نفر از همدستانش گفت: متهمان از این طریق ۶۰۰ میلیون و ۶۰۰ هزار ریال کلاهبرداری کرده‌اند. وی خاطر نشان شد: در این زمینه پرونده‌مقدماتی تشکیل شده است و تلاش برای دستگیری سایر همدستان متهم مکامان ادامه دارد.

کلاهبرداری با سکه‌های تقلبی

■ **ایسنا:** این روزها با آنکه انتشار خبر کشف سکه‌های تقلبی به خبر روزمره ساینه‌های خبری تبدیل شده است، اما گویا کلاه سکه‌های تقلبی باز هم بر سر جویندگان گنج می‌نشیند. سردار کاظم علیزاده، فرمانده انتظامی استان لرستان، با اشاره به شیوه کلاهبرداری با سکه‌های تقلبی گفت: این افراد در ابتدا با ارسال پیامک، تماس تلفنی یا واسطه فردی، اقدام به شناسایی و جذب خریداران می‌کنند و سپس از آن با مطرح کردن ادعای عتیقه و زیر خاکی بودن سکه‌ها، آنها را می‌فروشند. او با بیان اینکه سکه‌های قاچاق به‌گونه‌ای طراحی و ضرب شده‌اند که در ظاهر شکل قدیمی دارند اما به جای طلا از آلیاژهای دیگر همچون مس و برنج ساخته شده‌اند، گفت: کلاهبرداران برای جلب اعتماد مردم روی سکه‌های تقلبی سر شاهان، نقوش و تصاویر قدیمی و گاه عبارات دینی، حک می‌کردند. علیزاده گفت: کلاهبرداران در اولین قدم و برای جلب نظر خریداران سکه‌های واقعی را با عیار بالا همچون به عنوان نمونه در اختیار خریداران قرار می‌دادند تا مشتریان آنها را نزد کارشناسان ببرند و کارشناس نیز قدیمی بودن این سکه‌ها را تایید می‌کند. سپس کلاهبرداران در زمان تحویل، سکه‌های واقعی را با تقلبی جابه‌جای می‌کنند. علیزاده با بیان اینکه کلاهبرداران در معاملات مختلف بین ۱۵۰ تا دوهزار و ۵۰۰ سکه را در اختیار خریداران قرار داده‌اند گفت: کلاهبرداران سکه‌های تقلبی را به مبلغ ۲۵ تا ۶۵ میلیون تومان به فروش می‌رسانند. به گفته او، این سکه‌های تقلبی که عمدتا با دستگه‌های پرس دستنی ساخته می‌شوند، ۲۲ میلی‌متر قطر و یک میلی‌متر عرض دارند. علیزاده با بیان اینکه غالب افرادی که اقدام به خریداری این گونه سکه‌ها می‌کنند افراد بی‌سواد یا کم‌سواد نیستند، گفت: افرادی که مسود این کلاهبرداری واقع شده‌اند ابتدا به عنوان کلاهبرداری شکایت می‌کنند اما آنان باید بداند خرید و فروش عتیقه‌جات ممنوع است و خریدار و فروشنده هر دو به عنوان افرادی که اقدام به خرید و فروش اموال عتیقه کرده‌اند، تحت پیگرد قرار می‌گیرند.

شرق: مرد ترکیه‌ای که به جرم قتل یک ایرانی به صورت غیابی به تحمل ۲۱سال زندان محکوم شده بود، بعد از ۹سال فرار دستگیر شد.

اواسط ماه اکیم (مهر ماه) سال ۲۰۰۲، عمر امینی – مرد ایرانی ساکن استانبول– در حالی که در خانه‌اش مشغول استراحت بود، با دو میهمان ناخوانده مواجه شد. احمد و یعقوب دو مرد ترک‌بای بودند که از مدتی قبل بر سر مسایل مالی با هم اختلاف داشتند و مشکلات آنها به گرهی کور تبدیل شده بود و به نظر می‌رسید راه‌حلی برای آن وجود ندارد. دو میهمان پس از ورود به خانه عمر به او حمله‌رو شدند و وی را به باد کتک گرفتند. آنها بعد از شکنجه مرد ایرانی وی را به قتل رساندند و جنازش را در صندوق عقب خودروشان گذاشتند تا به منطقه‌ای جنگلی ببرند.

مأموران پلیس استانبول چند روز بعد در روز ۲۴ اکیم جنازه مردی را پیدا کرد که در یک منطقه جنگلی دفن شده بود. این مرد هیچ کارت شناسایی همراه نداشت و

شرق: سقوط مرگبار زنی جوان از طبقه نهم یک ساختمان راز رابطه پنهانی او را با مدیرعامل شرکت محل کارش فاش کرد. به گزارش خبرنگار ما، شاگناه پنجشنبه هفته گذشته مأموران پلیس از سقوط مرگبار زنی از طبقه نهم یک مجتمع صد واحدی در جنوب تهران مطلع شدند و وقتی به آنجا رفتند، در برابر پیکر خون‌آلود زن ۲۷ساله به نام سمیه قرار گرفتند و به پرس‌وجو از شوهر او پرداختند. این مرد که از حادثه رن‌خواه، شوکه شده بود، به کار آگاهان گفت: «مشب من با یکی از دوستانم قرار ملاقات داشتم اما کاری برابیم پیش آمد و زودتر به خانه آمدم هرچه زنگ زدم سمیه در را باز نکرد، ولی من مطمئن بودم او در منزل است. نگران شدم و به پدرزنم تلفن زدم تا او خودش را برساند، در همین حال که در انتظار بودم یکدفعه متوجه شدم سمیه از تراس به پایین پرت شد.»در حالی که علت سقوط مرگبار معلوم نبود، ساعت شش صبح روز

جمعه ساکنان آپارتمانی که در طبقه زیرین خانه سمیه قرار داشتند، در تماس با پلیس مورد مشکوکی را گزارش دادند و مأموران را به آنجا کشانند. مرد صاحب‌خانه به مأموران گفت صبح زود وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم مرد غریبه‌ای از پشت کولرمان که در بالکن است، بیرون آمد و بعد از شکستن قفل در خانه فرار کرد.» آنجا که احتمال داشت حضور مرد غریبه با سقوط سمیه در ارتباط باشد، مأموران به چهره‌نگاری از فرد ناشناس پرداختند و همسر متوفی بلافاصله او را شناسایی کرد و گفت این مرد مدیرعامل شرکتی است که سمیه به عنوان حسابدار در آنجا کار می‌کرد. کار آگاهان پس از به دست‌آوردن این سرخ به تحقیق برای یافتن مدیر عامل فراری پرداختند و او

حوادث

۹ سال بعد از وقوع جنایت در استانبول صورت گرفت

دستگیری قاتل تاجر ایرانی در ترکیه

با کمک عده‌ای از دوستانش توانست به مکان نامعلومی بگریزد و از آن پس خبری از وی نبود. مأموران بعد از دستگیری یعقوب به بازجویی از او پرداختند.

این متهم ماجرا را شرح داد و همدستش را به عنوان قاتل اصلی معرفی کرد، سپس پرونده در اختیار دادگاه قرار گرفت. مدتی بعد از آن ماجرا با توجه به اینکه ردی از احمد که پیش از این معلم زبان انگلیسی بود، وجود نداشت دادگاه تصمیم به برگزاری جلسه دادگاه گرفت. احمد در این محاکمه غیابی گناهکار شناخته و به



افتاد و کار آگاهان وقتی از اختلافات او با احمد و یعقوب آگاه شدند این دو را تحت تعقیب قرار دادند، اما احمد

سقوط مرگبار راز رابطه پنهانی را فاش کرد

را در منطقه کن دستگیر کردند. متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، با اعتراف با داشتن رابطه پنهانی با سمیه راز سقوط این زن را فاش کرد. او گفت: «سمیه حدود یک سال بود که در شرکت من کار می‌کرد. او همیشه می‌گفت با شوهرش اختلاف دارد و می‌خواهد طلاق بگیرد. من هم از همسرم جدا شدم و قرار بود به زودی با سمیه ازدواج کنم. رابطه پنهانی ما مدتی ادامه داشت تا اینکه سمیه شب حادثه گفت در خانه تنهاست، من هم برای تعمیر رایانه او به منزلش رفتم اما شوهر سمیه یکدفعه از راه رسید ما خیلی ترسیده بودیم و قرار شد از تراس فرار کنیم برای همین با پارچه طنبایی درست کردیم و اول من از طبقه نهم به تراس طبقه هشتم رفتم و آنجا مخفی شدم اما سمیه

اسارت یک‌ماهه پسر نوجوان در چنگ گروگانگیران

هفت عضو بانداذم‌ربایی از پدر این پسر ۱۰۰ میلیون تومان باج گرفتند



بعد از اطلاع از این تماس تحقیقات تازه‌ای را در دستور کارشان قرار دادند آنها با پرس‌وجو از میهمانان عروسی علت همراه شدن امیر با ایمان را پرسیدند و به این نتیجه رسیدند که حرفه‌ای مرد راننده مشکوک است چراکه در حالی که می‌توانست خودرواش را درست مقابل تالار پارک کند، آن را ۲۰۰ متر دورتر در مکنای خلوت



امیر –پسر ۱۶ساله-ماجرای این گروگانگیری را این‌طور شرح داد: ایمان در ابتدای مراسم به من گفت آدرس تالار را بلد نیست و ماشین را کمی دورتر پارک کرده است. او از من خواست با هم برویم و ماشین را به نزدیک تالار بیاوریم. من هم با اطلاع دادن موضوع به خانواده‌ام همراه ایمان به راه افتادم. در مسیر چند نفر که داخل یک پژو نفره‌ای بودند، از من پرسیدند: «کارگران ساختمان نیمه‌کاره روبه‌رو را نمی‌شناسید؟» و من جواب دادم «خیر». این مدت ایمان می‌گفت کوجه محل پارک را گم کرده است. من به او گفتم درزگیر ماشین را بزنند.

در حالی که ایمان کمی از من دور شده بود، سرنشینان خودرو پژو دوباره به سمتم آمدند و با من درگیر شدند. نفر اول را که غافلگیرانه مرا از پشت گرفته بود، با آن‌رجم به زمین انداختم اما توسط سه نفر دیگر محاصره شدم

و آنها مرا داخل پژو بردند و کف ماشین خوابانند. در همین زمان ایمان هم که به کمکم آمده بود، توسط آدم‌رباها به پژو منتقل شد. بعد از حدود دو ساعت مرا در یک جاده بیابانی به صندوق عقب بردند، البته یکی از آدم‌رباها هم با من در صندوق بود. او چاقو داشت تا اگر سرروصدا کردم، صدایم را خاموش کند. داخل صندوق عقب دو قرص خواب‌آور به زور به من خوراندند.

قتل شوهر، پایان اختلافات خانوادگی

متهم ادعا کرد ناخواسته به همسرش چاقو زده است

جایگاه دعوت شدند و برای مریم درخواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه به دستور قاضی مهتیار – رییس دادگاه – مریم به دفاع از خودش پرداخت. او اتهام قتل خود را قبول نکرد و گفت: من و حامد دوستانه بودیم و به هم ازدواج کرده‌بودیم. در این مدت زندگی خوبی نداشتیم. وقتی با حامد ازدواج کردم هیچ‌شناختی از او نداشتم. عقد ما کملا سنتی بود، حامد و خانواده‌اش برای خواستگاری به خانه ما آمدند و بعد هم ما با هم عروسی کردیم. حامد کار گر خدمات بهشته‌زور بود و ما هم همان اطراف زندگی می‌کردیم. کم‌کم اختلافات ما شروع شد. حامد من را اذیت می‌کرد، ما هیچ توافقی با هم نداشتیم و همیشه در حال زد و خورد بودیم تا اینکه تصمیم گرفتیم از هم جدا شویم. موضوع را با خانواده‌هایمان مطرح کردیم، اما به اصرار آنها درخوست طلاق توافقی را پس گرفتیم. حامد خیلی با من بدرفتاری می‌کرد. او می‌گفت باید هرچه می‌گویی گوش بدهم و اگر هم توهمین کرد اعتراض نکنم، اما من نمی‌توانستم این کارها را بکنم. زندگی ما با همین

تحمل ۲۱سال زندان محکوم شد، قاضی همچنین متهم ردیف دوم را به زندان محکوم کرد. بعد از آن دیگر خبری از احمد نبود و این پرونده به بایگانی سپرده شده بود تا اینکه ماه پیش اخبار تازه‌ای به گوش رسید و کارآگاهان مطلع شدند قاتل فراری به استانبول بازگشته است. به همین سبب دوب تازه‌ای از تفحص‌ها آغاز شد و مأموران با جست‌وجوی گام‌به‌گام فهمیدند، احمد در یک مغازه در منطقه «بیلیک دوزوی» مشغول به کار شده است.

هفته پیش عملیات دستگیری متهم فراری طرح‌ریزی شد و تیم‌های عملیاتی به محل کار این مرد ۲۶ساله رفتند. احمد که تصور می‌کرد ماجرای قتل عمر به فراموشی سپرده شده است زمانی که خودش را در حلقه محاصره مأموران دید، تلاش کرد بگریزد اما این تعقیب و گریز با دستگیری وی پایان یافت. این متهم اکنون به زندان منتقل شده است و به زودی تحقیقات ویژه‌ای از وی آغاز خواهد شد.

وقتی می‌خواست پایین بیاید، ناگهان سقوط کرد.»این متهم که مردی سابقه‌دار است، درباره علت زندانی شدنش در نوجوانی نیز گفت: من هنر موقع عاشق پیکان بودم، اما برای خرید ماشین پول نداشتم به همین خاطر با کمک یکی از دوستانم نقشه کشیدم تا از خانه خال‌ام سرقت کنم و با پول آن پیکان بخرم اما موقع سرقت مادر‌بزرگم خانه خال‌ام بود. او ما را دید و دوستم برای اینکه لو نرویم، او را کشت بعد از آن به خاطر معاونت در قتل و سرقت به هشت سال زندان محکوم شدم و سه سال در کانون اصلاح و تربیت بودم بعد هم عفو و آزاد شدم.»متهم ادامه داد: «من از طریق کانون به شهرداری معرفی شدم و مدتی را در آنجا کار می‌کردم و همانجا با همسرم که چهار سال از من بزرگ‌تر بود، آشنا شدم و ازدواج کردم و حالا یک پسر شش‌ساله دارم.»بنا بر این گزارش متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

کافی برای پرداخت چنین باجی برخوردار نبود. در این بین کارآگاهان ردپایی از متهمان در چهار استان تهران، مرکزی، سیستان و بلوچستان و یزد به دست آوردند. در روزهای بعد، در حالی که آدم‌رباها طوری وانمود می‌کردند که ایمان هم جزو گروگان‌های آنهاست؛ دخالت این‌مرد در گروگانگیری مسجل و در ادامه هویت سه نفر از متهمان به اسامی عماد، بختیار و رسول فاش شد. با این وجود امکان ردپایی و دستگیری آنها بدوین به خطر افتادن جان پسر ۱۶ساله وجود نداشت، به همین سبب پدر امیر با هماهنگی‌های به عمل آمده و با توجه به کاهش رجم درخواستی، در نهایت روز دوشنبه هفته گذشته با پرداخت مبلغ صد میلیون تومان، پسرش را آزاد کرد البته پس از آن آدم‌ربایان به ظاهر ایمان را نیز رها کردند. پس از آن کارآگاهان ایمان را به صورت نامحسوس تحت تعقیب قرار دادند و یک روز بعد وی را درحالی‌که سوار اتوبوس زاهدان – کرمان شده بود، دستگیر کردند و همزمان هفت عضو دیگر این باند در زاهدان، یزد و تهران بازداشت شدند و صد میلیون تومان نیز از آنها کشف شد. به گفته سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس‌پلیس آگاهی تهران تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

خانواده‌ام، فهمیدم آنها در مقابل آزادی‌ما پول زیادی خواسته‌اند. چند روز بعد آدم‌رباها ما را به یک شهر دیگری که بزرگ‌تر از شهر قبلی بود، بردند. در این شهر دست و پای ما را باز کردند و آزادتر بودیم، آنها به ما لباس محلی هم دادند. در طول سفرانروز، وقت ما با تماشای فیلم پر می‌شد. یکبار ایمان را به شدت زدند. آدم‌رباها گفتند اگر فکر فرار به سرتان یزند، این اطراف پر از طالبان است و به دست طالبان می‌افتید و آنها شما را می‌کشند، در حالی که ما از خانواده‌ات فقط پول می‌خواهیم و در صورت پرداخت این مبلغ آسیبی به شما نمی‌رسانیم. روزی که آدم‌رباها پول را گرفتند، چشم من و ایمان را بستند و با یک دستگاه برابید به یک خیابان منتقل و آنجا ما را رها کردند. در آن لحظه بود که فهمیدیم آنجا زاهدان است نه افغانستان. آدم‌ربایان به هر یک از ما ۲۰هزار تومان دادند اما ایمان فقط ۷۰ هزار تومانش را گم کرده است. بافاصله با خانواده‌ام تماس گرفتیم و به سمت ترمینال حرکت کردیم. دو دلیت برای تهران خریدیم و به راه افتادیم که نزدیک کرمان چند نفر لباس شخصی به داخل اتوبوس آمدند و به دستان ایمان دستبند زدند. من هم به خودرو پلاک شخصی پلیس منتقل شدم. با تماس‌های افسرهای پلیس و صحبت آنها با ایمان فهمیدم او با آدم‌رباها دست داشته است.»

گفت یک زخم کوچک است، می‌خواستم با اورژانس تماس بگیرم اما اجازه ندادند بیرون رفتم و وسایل پانسمان خریدم. با بتاندین زخمش را تمیز کردم یک زخم کوچک بود. روی آن را بستم و پانسمان کردم. فردای آن روز هم دوباره زخم را تمیز کردم و بستم البته دوباره به حامد گفتم بهتر است به بیمارستان برود ولی او باز هم حرفم را گوش نکرد. صبح روز بعد بیدار شدم و به سراغ حامد رفتم تا زخمش را ببینم و پانسمان را عوض کنم که دیدم بدنش سرد شده و فوت کرده‌است.

مریم در ادامه دفاعیاتش گفت: با اینکه با حامد درگیری زیادی داشتم اصلا نمی‌خواستم او را بکشم و اگر خودش درگیری را شروع نمی‌کرد، کاری با او نداشتم. ما وقتی همدیگر را شناختیم که زندگی مشترکمان را شروع کرده بودیم، حامد دنبال کسی می‌گشت که وقتی خسته و صعبانی است اذیتش کند و ناراحتی‌اش را سر او خالی کند. با تمام این مشکلات نمی‌خواستم او را بزینم و از اتفاقی که افتاده است خیلی پشیمان هستم و درخواست بخشش دارم.

بنا بر این گزارش بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

نگاه

وظیفه‌سفر تخانه‌ها

در دفاع از حقوق ایرانیان



محمدحسین شاملو

■ **طبق قوانین موجود، قوانین و مقررات مجازات مربوط به ایران در مرزهای سرزمینی قابل اجراست و جرایمی که در قلمرو مرزهای ایران اتفاق افتاده باشد، از سوی دستگاه قضایی قابل تعقیب است و رسیدگی به جرمی که خارج از قلمرو ایران اتفاق افتاده باشد، هرچند علیه اتباع ایران باشد در صلاحیت دادگاه‌های ایران نیست.** البته اگر یک ایرانی در خارج از کشور جرمی را انجام دهد، طبق قانون اگر در ایران یافت شود، قابل پیگرد و مجازات است. همچنین اگر یک ایرانی از خارج از کشور یک ایرانی دیگر را به قتل برساند، در صورت امکان تلاش می‌شود به ایران بازگردانده شود و طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات شود. اما در پرونده قتل یک ایرانی به دست مرد ترک‌بهای با توجه به اینکه مقتول یک ایرانی است، قاتل یک غیرایرانی و قتل هم در کشور ترک‌بیه رخ داده است، مجازات و رسیدگی به جرم طبق قانون آن کشور انجام می‌شود. این شیوه در همه کشورهای دنیا رویه ثابتی است و به همین صورت عمل می‌شود. اما در این بین کنسول ایران در کشور ترک‌بیه وظیفه دارد برای دفاع از حقوق اتباع ایرانی هر کاری می‌تواند انجام دهد و فرقی نمی‌کند تبعه ایرانی متهم باشد یا شاکئ. کنسول موظف است وکیل بگیرد، مشاوره بدهد و با انجام مکاتبات رایزنی‌هایی برای دفاع از حقوق اتباع ایرانی انجام دهد. در همه دنیا هم به همین شیوه‌به عمل می‌شود. البته باید یادآور شد که طبق ماده «پنج» قانون مجازات اسلامی اگر همین تبعه خارجی جرمی را علیه تمامیت ارضی ایران و امنیت ملی انجام دهد، در ایران قابل پیگرد و رسیدگی است. حتی اگر در خارج از قلمرو زمینی و دریایی اقدام به چنین کاری کرده باشند، همان‌طور که گفته شد دادگاه ایران صالح است در برخی موارد به جرایمی که در خارج از مرزها و حتی از نسوی اتباع بیگانه انجام شده باشد، رسیدگی کند به شرطی که شرایط ماده «پنج» قنون مجازات اسلامی وجود داشته باشد. در ماده پنج قانون مجازات اسلامی آمده است: هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود ۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران ۲- جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضای مقام رهبری یا استفاده از آن ۳- جعل نوشته رسمی رییس‌جمهور یا رییس مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان یا رییس مجلس خبرگان یا رییس قوقه‌قضایی یا معاونان رییس‌جمهور یا رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها ۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادرشده از طرف بانک‌ها یا اسناد ته‌دآور بانک‌ها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره یا تضمین‌شده از طرف دولت یا شبیه‌سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخل. اما در این پرونده که یک قتل است، هیچ یک از شرایط چهارگانه وجود ندارد بنابراین متهم که یک بیگانه است در کشوری که جرم اتفاق افتاده، مجازات می‌شود. کنسول ایران نیز موظف است با گرفتن وکیل خوب و رایزنی با پلیس و دولت از حقوق خانواده مقتول دفاع کند. در این پرونده، متهم به زندان محکوم شده است اما در همه دنیا علاوه بر مجازات حبس غرامت به خانواده مقتول پرداخت می‌شود که در این مورد کنسول ایران باید برای دریافت این مبلغ به خانواده مرد ایرانی کمک کند.

حادثه‌ها

مرگ کودک ۶ساله

در پی سیم‌پاشی خانه

■ **پلیس خبر:** فرمانده انتظامی «اندیشک» گفت: بی‌احتیاطی دو نفر در سیم‌پاشی منزلی باعث مسمومیت شدید چهار نفر و مرگ یک کودک شد. سرهنگ «کهایلی» اظهار داشت: صبح روز جمعه یک خانواده چهارنفره به همراه خواهر صاحبخانه که میهمان آنها بود، دچار مسمومیت به اورژانس بیمارستان امام علی(ع) اندیشک منتقل شدند.

وی افزود: در بیمارستان پسر شش‌ساله این خانواده در اثر شدت مسمومیت فوت شد و بقیه افراد تحت مداوا قرار گرفتند. این مقام انتظامی درباره علت حادثه توضیح داد: صاحبخانه از دو نفر خواسته بود خانه وی را برای مبارزه با حشرات مزاحم سیم‌پاشی کنند که این سوم باعث مسمویت حاضران در خانه شد. کهایلی در پایان خاطر نشان کرد: در این زمینه پرونده‌ای تشکیل شده است و تحقیقات درباره عاملان و چگونگی وقوع این سهل انگاری ادامه دارد.